

استان‌های کمترین ازدواج و بیشترین طلاق

دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، آمار تازه‌ای از وضعیت ازدواج و طلاق استان‌های کشور ارائه کرد.



سلامت نیوز : دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، آمار تازه‌ای از وضعیت ازدواج و طلاق استان‌های کشور ارائه کرد که استان‌های تهران و البرز را در بدترین شرایط ممکن در میان دیگر استان‌ها نشان می‌داد. براساس این گزارش نرخ ثبت ازدواج در کشور 11/7 است و استان‌های خراسان شمالی، زنجان و اردبیل بیشترین نرخ ازدواج را دارند. این در حالی است که در مورد طلاق بهترین استان‌های کشور با کمترین میزان طلاق، استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام و چهارمحال و بختیاری هستند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از آرمان ؛ اما در هر دوی این موارد، استان‌های تهران و البرز در بدترین جایگاه قرار دارند یعنی در بخش آمار ازدواج، کمترین میزان و در آمار طلاق، بیشترین میزان! تا به حال کارشناسان فراوانی در حوزه ازدواج و خانواده در این باره هشدار داده بودند اما حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران در گفت‌وگوی اختصاصی با آرمان تاکید می‌کند که بخش عمده‌ای از آسیب‌هایی که به تازگی بر مجموع آسیب‌های اجتماعی منجر به کاهش ازدواج و افزایش طلاق در این دو استان منجر شده، ناشی از مشکلات اقتصادی است.

دوباره نام تهران در صدر فهرست کمترین میزان ازدواج و بیشترین میزان طلاق کشور قرار گرفته است؟

بله البته این موضوع تازه‌ای نیست. در چند سال اخیر عموماً تهران جزو استان‌های رتبه اول طلاق در کشور بوده و به نظر می‌رسد که مشکلات در این کلانشهر و البته استان البرز چند لایه و چند وجهی شده‌اند.

لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید.

ما در تهران و کلانشهری چون کرج دلایل مختلفی برای آسیب‌های اجتماعی مان می‌توانیم در نظر بگیریم. به عنوان مثال میانگین سن ازدواج در این دو استان مدام در حال بالا رفتن است، همین طور هزینه‌های زندگی هر روز در حال بیشتر شدن است. افزایش این دو گزینه باعث می‌شود رغبت جوانان به ازدواج کاهش پیدا کند که ما شاهد این موضوع به خصوص در میان جوان‌هایی هستیم که در تهران یا کرج زندگی می‌کنند و از سطح درآمدی پایین تری برخوردار هستند. بنابراین کاهش نرخ ازدواج نشأت گرفته از عواملی است که جنس آسیب‌های اجتماعی خاص خود را دارند.

در مورد افزایش آمار طلاق هم همین طور است؟

بله با این تفاوت که در مساله طلاق ما مولفه‌های دیگری را هم درگیر می‌بینیم. بگذارید موضوع را با مقایسه وضعیت شهرهای کوچک و بزرگ با تهران توضیح بدهیم. در شهرهای کوچک، فشار نظارت‌های اجتماعی اطرافیان بر زوجها بیشتر است و همین موضوع باعث می‌شود که ارتباطات خانوادگی پیش از ایجاد بحران در میان زن و شوهر وارد شوند و به حل و فصل امور بپردازند. در مورد زوج‌های جوان تهرانی وضع دقیقاً برعکس است؛ ارتباطات خانوادگی، فامیلی و ... در تهران کمرنگ بوده و زوجین از حمایت‌های این افراد در شرایط بحرانی بی‌بهره‌اند و این موضوع تاثیر زیادی روی افزایش طلاق در این شهرها دارد. در تهران ما شاهد سبک زندگی متفاوت با دیگر شهرها هستیم، سبک زندگی‌ای که در آن بعضی از ویژگی‌ها تاثیرگذارتر و مهم‌تر و بعضی دیگر کمرنگ‌تر شده‌اند و به همین خاطر شاهدیم که آسیب‌هایی که از چنین نوع سبک زندگی به وجود می‌آید در حوزه طلاق و ازدواج به این شکل تاثیرگذارند.

این تفاوت سبک زندگی به چه شکلی بر زندگی افراد تاثیر گذاشته است؟

در شهرهای کوچک سبک زندگی، روابط نزدیک افراد، دامنه گسترده آشنایی‌ها، معیارهای انتخاب همسر و... باعث می‌شود که شناخت بیشتری در حوزه انتخاب شریک زندگی وجود داشته باشد، اما تهران با این جمعیت میلیونی‌اش، تنوع در روابط و دامنه گسترده روابط اجتماعی، معیارها را به سمتی کشانده که شاهد سبک زندگی دیگری باشیم.

تنها همین عوامل می‌توانند ایجادکننده چنین آمارهای بالایی در حوزه طلاق باشند؟

البته که نباید خود عنصر جمعیت را هم نادیده گرفت. تهران در حال حاضر بیشترین جمعیت کشور را در خود جا داده و طبیعتاً هر چه تعداد اعضای یک مجموعه بیشتر باشد، احتمال وقوع انواع حوادث هم به لحاظ ریاضی در آن بیشتر است. علاوه بر این در شهرهای بزرگی همچون تهران ما شاهدیم که آسیب‌های اجتماعی بیشتر از دیگر شهرهاست؛ آسیب‌هایی چون فقر و اعتیاد و خشونت در این شهرها آمار بالاتری دارند، چرا که نظارت اجتماعی در این شهرها کمتر است و به خاطر ارتباطات گسترده آدم‌ها، میزان تاثیرپذیری افراد متفاوت‌تر از شهرهای کوچک است.

می‌توان برای خروج از مشکلاتی که در حال حاضر استان تهران و البرز با آن درگیر هستند راه حل مشخصی ارائه کرد؟

طبیعتاً باید این اتفاق بیفتد. البته آسیب‌های اجتماعی به‌صورت زنجیره وار به هم وابسته‌اند و نمی‌شود روی یک آسیب اجتماعی به‌صورت جزیره‌ای متمرکز شد و از دیگر آسیب‌ها اغفال کرد. به‌عنوان نمونه وقتی که روی طلاق کار می‌کنید، می‌بینید که عواملی چون اعتیاد، بیماری‌های جنسی، خشونت و... تاثیرگذارند. مهارت‌های اجتماعی افراد و حتی سطح اقتصادی افراد روی این مسائل تاثیرگذارند. بنابراین اگر قرار است در این زمینه کاری انجام شود باید به‌صورت زنجیره وار باشد.

تا چند سال پیش استان البرز به استان تهران ملحق بود و این تفکیک به تازگی صورت گرفته، چطور در همین چند سال این استان توانسته در چنین رکوردهایی پا به پای تهران باشد؟

وقتی که از تهران به سمت کرج می‌روید، تابلویی کنار اتوبان وجود دارد که رویش نوشته به استان البرز، «ایران کوچک» خوش آمدید. این جمله بسیار مهم است، چرا که نوع زندگی و ساختار جامعه این شهر- استان را نشان می‌دهد. کرج به این خاطر که درست مانند تهران و براساس وضعیت اجتماعی این کلانشهر رشد کرده و به مرحله استان شدن رسیده، شرایطی مشابه با تهران دارد. یعنی ما باز هم در این شهر شاهدیم که ارتباطات همسایگی و فامیلی یا کمرنگ است و یا وجود ندارد. سبک زندگی به سمت سبک زندگی تهران سوق پیدا کرده و آسیب‌ها به گونه‌ای به هم شباهت یافته است. شاید به همین خاطر است که معتقدم برای حل چنین مسائلی بهتر است به‌صورت بومی روی هر استان کار شود.

مگر تا به حال با نگاه بومی به حل آسیب‌های اجتماعی کشور اقدام شده است؟

بله، چند سالی است که سند کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در استان‌ها دقیقاً با هدف بومی‌سازی برنامه‌های کاهش و کنترل آسیب‌ها در حال تدوین و اجراست و آن طور که من می‌دانم در حال حاضر حتی استان‌هایی مثل کردستان، یزد و اصفهان ذیل این برنامه برای خود یک سند کاهش میزان طلاق تهیه کرده‌اند که براساس مولفه‌های بومی استان به دنبال حل معضل طلاق در این استان‌هاست.

به‌صورت کلی و جدا از موضوع تهیه چنین سندی آیا می‌توان در بحث آسیب‌های اجتماعی که به طلاق و ازدواج در کشور منجر می‌شوند به یک وحدت رویه رسید؟

بررسی آسیب‌های اجتماعی کشور در سه سطح کلان، میانه و خرد می‌تواند در این راه کمک شایانی به ما بکند. در سطح کلان ما نیازمند افزایش نشاط اجتماعی، بالا رفتن میزان مهارت‌های افراد و ایجاد یک اقتصاد قوی در کشور هستیم. در کنار این عوامل افزایش توان آموزش و پرورش، ایجاد قوانین مناسب و کارآمد در حوزه کاهش آسیب‌ها و افزایش آگاهی‌های اجتماعی بسیار کارساز است. اما در سطوح میانی و فردی، پی بردن به نقش بیماری‌های جنسی، سوءظن‌ها، تفاوت‌های فرهنگی افراد و... و حتی مساله بچه‌دار شدن می‌تواند ما را در شناخت آسیب‌های اجتماعی که در حال حاضر کشور با آن درگیر است یاری دهد.